



مرئضی کرباسی

بای تعهدیه در قرآن کریم

قسمت دوم



مثال هفتم:

ومن يغفل يأتي بما غل يوم القيامة
(آل عمران / ۳ / ۱۶۱)

فعل «يأت» متعدى است ومعنای آن «می آورد» است. ترجمه نوبت اول میبیدی: «و هر که خیانت کند بچیزی آن چیز آرد فردا برستاخیز». ترجمه دهلوی: «و هر که خیانت کند، خواهد آورد آن چیز را که خیانت کرده است بروز رستاخیز». شادروان رهنما و آقایان آیتی، فارسی، پورجوادی و مکارم شیرازی ترجمه این آیه را همین گونه انجام داده اند. ترجمه آقایان فولادوند، امامی، خواجوی، مجتبی و شادروانان یاسری، مصباح زاده و پاینده به شکل لازم است. ترجمه امامی: «هر که کژ دستی کند در رستاخیز با همان آید که دست در آن کژ بداشته است». ترجمه یاسری: «و هر کس خیانت کند می آید با آنچه خیانت کرده در روز قیامت».

مثال هشتم:

الذین قالوا ان الله عهد علينا الا نؤمن لرسول حتى ياتينا بقربان تأكله النار قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات وبالذي قلتم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين. فان كذبوك فقد كذب رسل من قبلك جاءوا بالبينات والزبر والكتاب المنير
(آل عمران / ۳ / ۱۸۳ - ۱۸۴)

در این دو آیه در کلمات «بقریان»، «بالبینات»، «بالذی» و «بالبینات» بای تعدیه به کار رفته است و سه فعل «یأتینا»، «جاءکم» و «جاءوا» متعدی شده اند. از میان مترجمان فارسی زبان، مرحوم شاه ولی الله دهلوی و مرحوم الهی قمشه ای و آقایان امامی، فولادوند و مکارم شیرازی هر سه فعل را متعدی ترجمه کرده اند. در بقیه ترجمه های فارسی و تقریباً همه ترجمه های انگلیسی یک یا دو فعل از افعال متعدی یاد شده، به شکل لازم برگردانده شده است.

ترجمه آقای فولادوند از این دو آیه چنین است: «همانان که گفتند: «خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانی بیاورد که آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند.» بگو: «قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می گویند، پس چرا آنان را کشتید؟» پس اگر تو را تکذیب کردند، بدان که پیامبرانی [هم] که پیش از تو، دلایل روشن و نوشته ها و کتاب روشن آورده بودند، تکذیب شدند.»

در ترجمه ای که آوردیم هر سه فعل «یأتینا»، «جاءکم» و «جاءوا» به گونه متعدی برگردانده شده است، اما مترجم «باء» در «بالذی» را از نوع معیت و مصاحبت دانسته است. معنی جمله قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات وبالذی قلت، این است که: «بگو: قطعاً پیش از من پیامبرانی [بودند] که دلایل روشن و آن چه را گفتید برای شما آوردند». اما مفهوم ترجمه آقای فولادوند آن است که پیامبران پیشین دلایل و معجزه های آشکار را به همراه آن شرط و درخواستی که شما [=یهودیان] داشتید، آوردند (یعنی آتش آن را بسوزانند) و نشان می دهد که مترجم «باء» در «بالذی» را به معنای همراهی و معیت گرفته است، که این دو اشکال دارد: نخست آن که بعید است دلایل و معجزات پیامبران گذشته یهود، همگی با آتش سوزانده شده باشد. بنابر مفاد آیه یاد شده، انبیاء پیشین علاوه بر اجابت درخواست قوم خود- یعنی آوردن قربانی که آتش آن را بسوزانند- معجزات و دلیل های دیگری برای آنان آورده اند که در مورد آن ها از آتش و سوزانیدن خبری نبوده است. دوم آن که اگر «باء» در «بالذی» به معنای همراهی و معیت باشد، به هیچ وجه به آوردن حرف «واو» نیازی نیست، زیرا «واو عاطف» بر سر «بای معیت» در نمی آید. به همین دلیل مترجم نیز در ترجمه خود «واو» را قبل از حرف «باء» نیاورده اند. بنابراین اگر در این ترجمه به جای عبارت «با آن چه»، عبارت «و آن چه» بیاوریم- چنان که آقای مکارم شیرازی چنین کرده اند- برگردان ما دقیق تر می شود.

کسی را رسد که اعتراض کند: «در آیهٔ قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات وبالذی قلتُم اگر «الذی» هم مانند «البیّنات»، مفعول به «جاءکم» باشد نیازی به تکرار «باء» در «بالذی» نیست و «الذی قلتُم» بر «البیّنات» عطف می‌شود». دربارهٔ این سخن شاید بتوان گفت که «بای تعدیه» در آیه‌های دیگری از قرآن کریم نیز تکرار شده است. آیهٔ ۲۵ سورهٔ فاطر چنین است: جاءتهم رسلهم بالبیّنات و بالزّبر وبالکتاب المنیر. هر سه «باء» از این آیه برای تعدیه است و هر سه مدخول «باء» مفعول‌های فعل «جاءتهم» هستند و ترجمهٔ آقای فولادوند از این آیه چنین است: «پیامبران‌شان دلایل آشکار و نوشته‌ها و کتاب روشن برای آنان آوردند».

مثال نهم:

یا ایها الناس قد جاءکم الرّسول بالحقّ من ربکم فامنوا خیراً لکم (نساء / ۴ / ۱۷۰)

«ای مردم، این پیامبر از [نزد] پروردگارتان حق را برای شما آورده است، پس ایمان بیاورید که برایتان بهتر است».

آقایان فولادوند، فارسی و مکارم شیرازی این آیه را متعدی معنا کرده‌اند. حاج تألیف علی نیز بر خلاف بیش‌تر مترجمان انگلیسی این آیه را از این نظر درست ترجمه کرده است.

O mankind, the Messenger has brought you the truth from your Lord

مترجمانی که فعل «جاء» را به معنای لازم (آمد) گرفته‌اند، در برگردان کلمه «بالحقّ» چند گونه عمل کرده‌اند. این ترجمه‌ها با اندکی تصرف در مضمون چنین است: پیامبر، همراه با حق و درستی آمده است (آقایان بهبودی و خواجوی). پیغمبر حق برای هدایت آمده است (مرحوم الهی قمشه‌ای). این فرستاده، برای راستی و بخاطر حق آمده است (آقای امامی). پیغمبر برحق آمده است (مرحوم یاسری و آقای کاویان‌پور). پیغمبر، به حق و درستی و راستی آمده است (آقایان مجتبی‌وی، آیتی، پور جوادی و شادروانان مصباح زاده، فیض الاسلام و دهلوی). مرحوم پاینده نیز اصلاً عبارت «بالحقّ» را ترجمه نکرده‌اند: «ای مردم! این پیغمبر از پروردگارتان سوی شما آمده».

در آیه‌های دیگر قرآن کریم، جمله‌های مشابه با آیهٔ ۱۷۰ سورهٔ نساء آمده است. مانند آیات ۴۳ و ۵۳ از سورهٔ اعراف: (قد) لقد جاءت رسل ربنا بالحقّ «بی شک فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند». ترجمهٔ آقایان فارسی، مکارم شیرازی و فولادوند در هر دو آیه صحیح و متعدی است. مترجمان دیگر به گونهٔ غیر متعدی و متفاوت ترجمه کرده‌اند، مانند: فرستادگان

پرورگار ما بر حق بودند؛ به حق و درستی آمدند؛ با حق آمدند؛ برای حق و هدایت آمدند؛ حق و راست می گفتند. آقای امامی در ترجمه آیه ۴۳ آورده اند: «فرستادگان پروردگاران راستی آوردند» و در آیه ۵۳ گفته اند: «پیامبران خدای مان به حق آمدند». از مترجمان انگلیسی قرآن کریم، پیکتال، حاج تألیم علی، یوسف علی و شاکر هر دو آیه را متعدی معنا کرده اند ولی آربری هر دو آیه را به شکل لازم در آورده است.

مثال دهم:

قالوا بل جتناک بما کانوا فیہ یمترون و اتیناک بالحقّ و انا لصادقون (حجر / ۲۲ / ۶۳-۶۴)

این آیات بیان گر سخنان فرشتگانی است که برای عذاب قوم لوط نزد حضرت لوط علیه السلام آمده بودند. وقتی لوط به ایشان گفت: انکم قوم منکرون «شما افراد ناشناسی هستید»، آنان پاسخی دادند که در آیه های ۶۳ تا ۶۵ سوره حجر آمده است.

پاره ای از مترجمان، افعال «جئناک» و «اتیناک» در این دو آیه را به صورت لازم معنا کرده و مثلاً چنین گفته اند: «گفتند: بلکه ما نزد تو آمده ایم با آن چیزی که اینان در آن تردید داشتند. و آمده ایم پیش تو با حق (یا به حق) و ما راست گویانیم» [نگاه کنید به ترجمه شادروانان الهی قمشه ای (هر دو آیه) رهنما و مصباح زاده (در آیه ۶۳) و آقایان محمد باقر بهبودی (هر دو آیه) و محمد خواجوی (در آیه ۶۳)]

در ترجمه تفسیر نمونه و آقایان فارسی، مکارم شیرازی، پورجوادی، مجتبوی، آیتی، فولادوند و دهلوی هر دو آیه صحیح و متعدی معنا شده است. ترجمه آقای فولادوند: «گفتند: [نه،] بلکه برای تو چیزی آورده ایم که در آن تردید می کردند، و حق را برای تو آورده ایم و قطعاً ما راستگویانیم...». ترجمه آقای مجتبوی: «بلکه تو را چیزی آورده ایم که درباره آن شک می کردند - یعنی عذاب. و تو را [خبر] راست و درست آورده ایم». ترجمه دهلوی: «بلکه آورده ایم پیش تو آنچه در آن شبهه می کردند یعنی عقوبت. و آورده ایم پیش تو وعده راست را». در میان مترجمان انگلیسی، محمد سرور، جورج سیل و شاکر هر دو آیه را لازم ترجمه کرده اند. یوسف علی و حاج تألیم علی فعل نخست را لازم (آمدن) و فعل دوم را متعدی (آوردن) معنا کرده اند. ترجمه آرتور آربری به عکس این دو مترجم است:

They said: Nay, but we **have brought** thee that concerning which they were doubting. We **have come** to thee with the truth.

در این میان پیکتال تنها مترجمی است که هر دو فعل را در این آیات به شکل متعدی برگردانده است:

They said: Nay, but we **bring** thee that concerning which they keep disputing. And **bring** thee the truth.

البته صحیح آن بود که پیکتال افعال «جئناک» و «اتیناک» را به شکل ماضی ترجمه کند، اما وی آن‌ها را به زمان حال برگردانده است.

مثال یازدهم:

فأنت به قومها تحمله

(مریم / ۱۹ / ۲۷)

این آیه بیان‌کننده قصه حضرت مریم است در وقتی که طفلش - حضرت عیسی علیه السلام - را نزد قوم خود بیاورد. فاعل «انت» حضرت مریم است و فعل «انت» با آمدن «باء» متعدی شده و مفعول صریح آن ضمیر موجود در «به» و منظور از این ضمیر، حضرت عیسی علیه السلام است. «قومها» مفعول دیگر فعل «انت» است که آن را غیر صریح می‌دانیم و به شکل متمم (نزد قومش) ترجمه می‌کنیم. عبارت «تحمله» نشان‌دهنده حالت و کیفیت آوردن طفل و از نگاه نحوی «حال» است. این عبارت نشان می‌دهد که حضرت مریم علیها السلام فرزند خویش را حمل می‌کرده است نه شکل دیگر. برگردانی از آیه یاد شده چنین می‌شود: «پس [مریم] او را در حالی که در بغل گرفته بود نزد قومش آورد».

حال به ترجمه‌های فارسی از این آیه می‌پردازیم. ترجمه تفسیر نمونه: «(مریم) او را در آغوش گرفته بسوی قومش آمد». باید می‌گفت: «به سوی قومش آورد». این اشکال در ترجمه آقای مکارم شیرازی تصحیح شده است. ترجمه آقای بهبودی: «مریم کودک خود را در زنبیلی نهاد و به نزد مردم خود آمد». این ترجمه نیز در مورد فعل متعدی «انت به» دقیق و صحیح نیست.

ترجمه آقای خواجوی: «پس مولودی را که بار برداشته بود نزد قوم خویش آورد». این ترجمه از نظر متعدی بودن اشکالی ندارد، اما در برگردان جمله «تحمله» سهوی رخ داده است. ترجمه یاد شده نشان می‌دهد که مادر، طفلی را که در شکم داشته، نزد قوم خود آورده است. و مترجم واژه «حمل» را به معنای «باردار و حامله بودن» گرفته است نه «حمل کردن در بغل و آغوش»، در حالی که آیه‌های بعدی خبر از تولد حضرت عیسی پیش از این

می دهند و اعتراض آن قوم بر حضرت مریم آن است که چگونه با نوزادی در گهواره سخن بگوییم؟ اگر ترجمه آقای خواجوی روا می بود، آنان باید سؤال می کردند: چگونه با طفلی در رحم مادرش صحبت کنیم؟

ترجمه شادروان الهی قمشه ای: «آن گاه قوم مریم به جانب او آمدند که از این مکانش همراه برند». به دلایلی این جمله، به هیچ رو برگردان صحیحی از مفاد آیه ۲۷ سوره مریم نیست. نخست آن که فعل «ات» لازم معنا شده است. دوم آن که فاعل این فعل قوم مریم [=قومها] انگاشته شده، در حالی که «قومها» نه مؤنث است و نه مرفوع. سوم این که مترجم، ضمیر «ه» در «به» را به حضرت مریم علیها السلام برگردانده است. چهارم آن که فاعل در جمله «تحمله»، قوم گرفته شده و مراد از مفعول آن (ضمیر «ه») حضرت مریم قرار داده شده است؛ حال آن که نه قوم مؤنث است و نه مریم مذکر.

بیشتر ترجمه های فارسی دیگر از این نگاه بی عیب است. ترجمه آقایان مجتبی و پورجوادی: «او (کودک) را برداشته نزد کسان خود آورد». ترجمه آقایان فولادوند و مکارم شیرازی: «[مریم] درحالی که او را در آغوش گرفته بود به نزد قومش آورد». جورج سیل، یوسف علی، پیکتال، حاج تألیم علی، محمد سرور، آربری و... ترجمه صحیحی انجام داده اند. ترجمه آربری:

Then she brought the child to her folk carrying him.

اما ترجمه م. ه. شاکر دقیق نیست:

And she came to her people with him, carrying him (with her).

[و مریم به همراه او، در حالی که وی را (با خود) حمل می کرد نزد قومش آمد].

مثال دوازدهم:

ما اتخذ الله من ولد وما كان معه من اله اذا لذهب كل اله بما خلق (مؤمنون / ۲۳ / ۹۱)

«خداوند هیچ فرزندی برنگرفته است و معبودی [دیگر] با او نیست [که] در آن صورت هر خدایی آنچه را آفریده است با خود می برد».

در این آیه «ذهب» به دلیل متعدی شدن با «باء» معنای «بردن» می دهد. چند مترجم، این فعل را به گونه لازم معنا کرده اند. خواجوی: «هر خدایی سوی مخلوق خویش می رفت». امامی: «هر خدایی با آن چه آفریده است، جدا می رفته است». آیتی: «هر خدایی با آفریدگان

خود به یک سو می کشید». ترجمه مرحوم الهی قمشه ای و آقای مکارم شیرازی آزاد و نقل به مفهوم است. ترجمه آقایان پورجوادی، مجتبوی، فولادوند، فارسی، بهبودی و شادروانان پاینده، فیض الاسلام، معزی و مصباح زاده به شکل متعدی انجام شده است. پاینده: «وگر نه هر خدایی، مخلوق خویش را می برد». بهبودی: «بی شک هر خدایی آفریده خود را با خود می برد».

مثال سیزدهم:

ولما جاء عيسى بالبينات قال قد جئتكم بالحكمة

(زخرف / ۴۳/ ۶۳)

در این آیه دو «بای تعدیه» همراه با دو فعل «جاء» آمده و ترجمه آن چنین است: «و چون عیسی آن دلایل روشن را آورد [بدیشان] گفت: برایتان حکمت [=سخنان استوار] آورده ام».

آقای بهبودی و شادروانان یاسری، فیض الاسلام و رهنما هر دو فعل را لازم ترجمه کرده اند. ترجمه بهبودی: «موقعی که عیسی با دلایل روشن نزد یهودیان آمد به آنان گفت: من با حکمت و کاردانی نزد شما آمده ام».

ترجمه یاسری: «و چون آمد عیسی با معجزه ها گفت به تحقیق آمدم شما را بشریعتی با حکمت». مرحوم الهی قمشه ای نیز فعل نخست را ترجمه نکرده اند و فعل دوم را نیز به شکل لازم برگردانده اند.

آقایان آیتی، مجتبوی، امامی، خواجهوی و شادروانان معزی، پاینده، دهلوی و تفسیر نمونه، فعل نخست را لازم و دومی را متعدی ترجمه کرده اند. ترجمه تفسیر نمونه: «هنگامی که عیسی با دلایل روشن به سراغ آنها آمد گفت من برای شما حکمت آورده ام». این جمله در ترجمه آقای مکارم شیرازی به این گونه اصلاح شده است: «هنگامی که عیسی دلایل روشن برای آنها آورد گفت: «من برای شما حکمت آورده ام...» آقایان پورجوادی و فولادوند نیز هر دو فعل را به شکل صحیح (متعدی) برگردانده اند. آبربی، پیکتال، م. ه. شاکر و یوسف علی هر دو فعل متعدی این آیه را لازم ترجمه کرده اند و ترجمه حاج تألیف علی نیز مانند ترجمه تفسیر نمونه است:

when Jesus came with explanations, he said: I have brought you wisdom...

مثال چهاردهم:

وجاءت سكرة الموت بالحق ذلك ما كنت منه تحيد
(ق / ۵۰ / ۱۹)

فعل «جاءت» با حرف «باء» متعدی شده و ترجمه آیه چنین می شود: «[سکرات] و بیهوشی مرگ حقایق [واحوال عالم دیگر] را [پیش چشمان او] می آورد. [گفته می شود:] این همان [حقیقتی] است که از آن می گریختی». ترجمه آقای بهبودی: «مستی مرگ حقایق را در برابر چشمان فرا آورد». ترجمه مرحوم فیض الاسلام: «و سختی مرگ، حق و راستی (احوال و چگونگیهای قیامت) را بیاورد».

به جز آقای بهبودی و مرحوم فیض الاسلام، مترجمان دیگر این آیه را لازم معنا کرده اند. شادروان مصباح زاده: «و آمد بیهوشی مرگ بحق» شادروان الهی قمشه ای: «و هنگام بی هوشی و سختی مرگ به حق و حقیقت فرارسید». آقای مجتبی: «و بیهوشی مرگ بر راستی فرارسد». آقای مکارم شیرازی: «و سرانجام، سکرات (و بیخودی در آستانه) مرگ بحق فرا می رسد». آقای فولادوند: «و سکرات مرگ بر راستی در رسید». مرحوم زین العابدین رهنما و ابوالقاسم پاینده و آقایان خواجهی، پورجوادی، آیتی، فارسی و... نیز لازم آورده اند. در میان مترجمان انگلیسی، جورج سیل، محمد سرور، م. ه. شاکر، آربری، حاج تالیم علی و پیکتال این آیه را به گونه لازم ترجمه کرده اند اما ترجمه یوسف علی از این آیه دقیق است:

And the stupor of death will bring truth (before His eyes):

برخی از پیشینیان نیز این آیه را متعدی معنا کرده اند. ترجمه نوبت اول میبدی: «آورد مستی مرگ کار راست و داد پاك (مومن را بهشت و کافر را آتش) (او را گویند): این آن کار و روز است که همه عمر از آن دور باز می شدی». ترجمه تفسیر منهج الصادقین: «و بیاورد بیهوشی مرگ یعنی حاضر سازد شدت موت که زایل کننده عقل است امر درست و راست را». تفسیر شریف لاهیجی: «و بیاورد یعنی حاضر ساخت شدت موت و بیهوشی آن امر حق و راست را که آن احوال قیامت است».

مثال پانزدهم:

ام لهم سلم يستمعون فيه فلیأت مستمعهم بسطان مبین
(طور / ۵۲ / ۳۸)

«باء» در «بسلطان» فعل «فلیأت» را متعدی کرده و ترجمه آیه چنین است: «آیا نردبان

دارند که بر آن [برشوند و] بشنوند؟ پس باید شنونده آنان برهانی آشکار بیاورد» (فولادوند). برگردان این آیه در ترجمه آقایان فارسی، خواجهوی، آیتی، امامی، مجتبیوی، پورجوادی و شادروانان یاسری، فیض الاسلام، مصباح زاده و دهلوی نیز به شکل متعدی است. اکنون چند ترجمه را می‌نگریم که اشکال‌های مهمی دارند: ترجمه قرآن مورخ ۵۵۶ هجری: «اگر هست ایشانرا نردبانی که به آسمان شوند و بشنوند حدیث فریشتگان اندران، بگو بیاورید بدان که گوش همی کنید از ایشان به حجتی روشن» اولاً فلیأت به صورت مخاطب ترجمه شده است. ثانیاً اگر چه فعل «فلیأت» متعدی معنا شده است، اما مفعول آن باید «سلطان مبین» [=حجتی روشن] باشد، حال آن که مترجم «آن چه گوش داده شده» را مفعول انگاشته است. ثالثاً مستمع (اسم فاعل) به معنای «آن که گوش همی کنید» نیست بلکه معنای آن شنونده و گوش دهنده است و مترجم مستمع را به صیغه اسم مفعول (مستمع) خوانده است. این ترجمه می‌گوید: «باید آن چه را از فرشتگان گوش می‌دهید با دلیل و حجت آشکاری بیاورید» حال آن که باید می‌گفت: «آن که گوش می‌دهد باید دلیل روشنی بیاورد».

ترجمه آقای احمد کاویان پور و مرحوم الهی قمشه‌ای نیز دارای همین دو اشکال آخر است. یعنی «مستمع» هم مفعول «فلیأت» قرار داده شده و هم به معنای اسم مفعول (مستمع) ترجمه شده است.

ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای: «اگر چنین است آنچه به وحی شنیدند با حجت روشن بیاورند». ترجمه آقای کاویان پور: «اگر چنین است، آنچه شنیده‌اند با دلیلی روشن بیاورند». ترجمه مرحوم معزی: «پس بیارد شنونده ایشان به فرمانروایی آشکار». در این ترجمه، «سلطان» به فرمانروا برگردانده شده است که صحیح آن دلیل و حجت است. شنونده پیام‌های آسمانی چگونه می‌تواند فرمانروایی آشکار بیاورد؟ شادروان معزی در تمام جاهایی که باید این واژه را به دلیل و نشانه و حجت ترجمه کنند، معادل‌هایی مانند «فرمان»، «فرمانروا» و «فرمانروایی» به کار برده‌اند. یک اشکال کوچک دیگر در این ترجمه هست و آن این که در «تعدیه خاص» - چنان که در ابتدای این نوشتار یاد آوری کردیم - نباید «باء» را به فارسی ترجمه کرد. و مترجم یاد شده چنین کرده است.

مثال شانزدهم:

وجاء فرعون و من قبله و المؤمنات بالخاطئة

«جاء بالخاطئة» یعنی «خطا و گناه آورد» برای ترجمه روان تر می‌گوییم: «گناه کرد» یا «مرتکب خطا شد».

ترجمه آقای فولادوند: «و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و [مردم] شهرهای سرنگون شده [سدوم و عاموره] مرتکب خطا شدند». ترجمه آقایان فارسی و مکارم شیرازی نیز تقریباً همین گونه است: «مرتکب گناهان بزرگ یا کار نادرست شدند». ترجمه رهنما: «کارهای نادرست کردند». خواجهوی: «گناه انجام میدادند». دهلوی: «بعمل آورد گناه را». شاهین: «کارهای زشت کردند». میبیدی: «بدخویش آوردند». امامی: «گناه آوردند». پاینده: «اعمال خطا کردند».

ترجمه آقای آیتی و شادروانان یاسری، مصباح زاده و معزی کاملاً لازم است. ترجمه یاسری: «و آمد فرعون در دوره زمان خود و آن‌ها که پیش از فرعون بودند و اهل ده‌های موتفکه که دهات قوم لوط باشد، آمدند در دوره‌های زمانشان به خطا و گناهکاری». ترجمه معزی: «و آمد فرعون و آنان که پیش از او بودند و واژگون شدگان به گناه». آقای مجتبیوی نیز به هر دو صورت (لازم و متعدی) ترجمه کرده‌اند: «با بد کاری آمدند یا بدکاری و گناه آوردند».

در ترجمه آقای پورجوادی این آیه و آیه پس از آن به گونه‌ی غریبی ترجمه شده است. و جاء فرعون و من قبله و المؤمنات بالخاطئة. فعصوا رسول ربهم فاخذهم اخذة رابیه. ترجمه آقای پورجوادی: «و فرعون و پیشینیان او و ساکنان خطا کار شهرهای زیر و رو شده فرستادگان پروردگارشان را گردن نهادند و خدا به عذاب سختی گرفتارشان کرد». این یک برگردان کاملاً آزاد از قرآن مجید است که از ضعف امانت به سختی رنج می‌برد. آیه نهم سوره حاقه یک جمله کامل است در حالی که تمام آن به انگیزه ارائه دادن ترجمه سلیس - که اساس کار مترجم بوده است - نهاد و مسند الیه قرار داده شده و مسند و خبر آن «فعصوا رسول ربهم» انگاشته شده است! فعل «جاء» اصلاً ترجمه نشده و «بالخاطئة» که مفعول «جاء» است، پس از حذف «بای تعدیه» از سر آن، به شکل صفت برای «الموتفكات» قرار داده شده است. آن‌گاه مترجم محترم «الموتفكات الخاطئة» را به «ساکنان خطا کار شهرهای زیر و رو شده» برگردانده‌اند.

